

بررسی و تحلیل رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به بیداری اسلامی بحرین

حمید درج^۱

چکیده

پژوهش حاضر در تلاش است تا به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی بحرین بپردازد. بیداری اسلامی در بحرین از اهمیت خاصی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. بحرین به واسطه حدود ۷۵ درصد جمعیت شیعی، بیشترین قرابت را با ابعاد قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در طول سه دهه گذشته برقرار کرده است. مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی و ارزش‌های منبعث از آن، تأثیرات به‌سزایی بر وقوع جنبش‌های مردمی در بحرین داشته است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران در راستای نقش‌آفرینی هر چه بیشتر شیعیان این کشور و احقاق حقوق آن‌ها، سازوکارها و اقدامات مؤثری را دنبال کرده است. لذا مقاله حاضر در صدد است؛ به مطالعه و تحلیل رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی بحرین به ویژه تأثیرات ایدئولوژیک و هویتی جمهوری اسلامی بر معترضان شیعی این کشور بپردازد. این پژوهش در تلاش برای پاسخ به این سؤال اصلی است که: جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی بحرین چه سیاستی را دنبال می‌کند؟ فرضیه پژوهش این است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و مبانی اعتقادی و انقلابی خود، ضمن مخالفت با سیاست سرکوب و ارباب‌مقامات بحرینی، در جهت احقاق حقوق شیعیان بحرین و تأمین اهداف و سیاست‌های آن‌ها مبادرت می‌ورزد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد؛ بر مبنای مفروضات نظریه‌سازهانگاری، جمهوری اسلامی ایران بر اساس هویتی که از خود و همچنین رژیم آل‌خلیفه تعریف کرده؛ تحولات بحرین را مصداقی بارز از بیداری اسلامی می‌داند و از این طریق حمایت از شیعیان بحرین را تأمین‌کننده منافع ملی خود قلمداد کرده و در راستای تأمین حقوق و مطالبات شیعی این کشور مبادرت می‌ورزد. تحقیق حاضر از نظر نوع هدف، کاربردی و روش آن از نوع کیفی است.

واژگان کلیدی: ایران، بحرین، بیداری اسلامی، قدرت نرم، سازهانگاری.

مقدمه

خیزش مردمی در بحرین که پس از تحولات و انقلاب‌های تونس و مصر در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ آغاز شد و با سرکوب و رویکرد خشونت‌آمیز حکومت آل خلیفه مواجه شد، به ایجاد بحران سیاسی مهمی در این کشور منجر شده است. بحران بحرین به دلیل موقعیت خاص این کشور و منافع و ملاحظات بین‌المللی و منطقه‌ای عمده در قبال تحولات آن باعث شکل‌گیری واکنش‌ها و رویکردهای مختلف از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد. موضوع بحرین یکی از نادرترین مسائل در سیاست خارجی ایران است، چرا که فشار از سوی جامعه بر مسئولان سیاسی برای بها دادن به حوادث جاری در این کشور وجود دارد. بحرین در وجدان عمومی جامعه ایرانی اهمیت دارد و این اهمیت در ایران به دلیل سیاست‌های رسمی دولتی نیست، بلکه در لایه‌لایه جامعه ایران احساس مسئولیت، حمایت و همبستگی با مردم بحرین وجود دارد. از این رو روشن است که فشار مردم بر دستگاه دیپلماسی برای بالا بردن حساسیت نسبت به بحرین ناشی از پیوندهای ناگسسته تاریخی، خانوادگی، قومی و عشیره‌ای است. بر این اساس درباره بیداری اسلامی در بحرین باید گفت که این رویداد هم از بُعد ملی و هویتی و هم از بعد ارزشی-ایدئولوژیک برای ایران اهمیت زیادی دارد. سقوط حکومت اقلیت دست‌نشانده در بحرین می‌تواند باعث روی کار آمدن حکومت شیعی و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آن و تضعیف عربستان سعودی به عنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت محدود شدن دسترسی نظامیان آمریکا به پایگاه‌های آنان در منطقه خواهد شد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران راهبرد خود را با توجه به اصول و ارزش‌های حاکم بر سیاست خارجی در راستای حمایت از مطالبات مردمی در بحرین شکل داده است و از زاویه قدرت نرم، تحولات این کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای وقوع تحولات انقلابی بحرین تلاش داشته تا با استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم که خود ناشی از منابع هویتی و فرهنگی است، بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد. این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از بحرین جدید به عنوان کشوری است که از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی با آن اشتراک دارد. لذا از میان نظریات مطرح شده در عرصه روابط بین‌الملل، سازه‌انگاری به عنوان نظریه‌ای که توجه ویژه‌ای به موضوعاتی همچون قربان‌های مذهبی، فرهنگی و هویتی و تأثیر و انعکاس آن بر سیاست خارجی کشورها دارد، به عنوان نظریهٔ منتخب پژوهش حاضر در نظر

گرفته شده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ دادن به این سؤال اصلی است که: جمهوری اسلامی ایران نسبت به بیداری اسلامی بحرین چه سیاستی را دنبال می کند؟ فرضیه پژوهش این است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و مبانی اعتقادی و انقلابی خود، ضمن مخالفت با سیاست سرکوب و ارباب مقامات بحرینی، در جهت احقاق حقوق شیعیان بحرین و تأمین اهداف و سیاست‌های آن‌ها مبادرت می‌ورزد. پژوهش موجود با تکیه بر نظریه‌ی سازه‌نگاری و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی شکل نهایی به خود خواهد گرفت. در این پژوهش از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

ادبیات و پیشینه پژوهش

در رابطه با رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی در بحرین کتب و آثار متعددی به زبان فارسی و انگلیسی انتشار یافته است که در ادامه صرفاً به چند نمونه از آنها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث تحقیق حاضر دارد، پرداخته می شود:

سید مرتضی هزاوه‌ای و فریده باوریان (۱۳۹۵)؛ طی مقاله‌ای با عنوان «بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به مسأله بیداری اسلامی (مطالعه موردی قیام مردم بحرین)» کوشیده‌اند؛ تا ضمن بررسی تحولاتی که منجر به پدیده بیداری اسلامی در بحرین شده است، تأثیر و دلایل اتخاذ رویکردهای متفاوت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را با در نظر گرفتن منافع و علایق آنها، به عنوان دو قطب متعارض در تحولات درونی جامعه انقلابی بحرین که به بروز جنگ سرد دو کشور در تحولات این کشور منجر شده است، مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. این پژوهش همچنین به مسأله اختلافات ایدئولوژیکی میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی که شکل تقابل دو جریان فکری برای ترویج و توسعه قرائت‌های متفاوت از اسلام را به خود گرفته است، پرداخته است.

محمدرضا دهشیری و علی عبدالله‌خانی (۱۳۹۴)؛ در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱» (مطالعه موردی بحرین و سوریه) به بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین و سوریه پرداخته‌اند. نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند تا ضمن ایجاد و نگارش پیشینه پژوهش، در زمینه نگاه جمهوری اسلامی ایران به تحولات دو کشور بحرین و سوریه، این موضوع را مورد بحث قرار دهند که جمهوری

اسلامی ایران با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون منافع ملی، باورها و ارزش‌ها، در چارچوب نظریه سازه‌انگاری، رویکردی متمایز در قبال دو کشور بحرین و سوریه اتخاذ کرده است؛ به گونه‌ای که در بحرین خواهان تغییر حکومت است و در سوریه از حکومت فعلی حمایت می‌کند.

مسعود اخوان کاظمی و صفی‌الله شاه‌قلعه (۱۳۹۳)؛ در مقاله‌ای با عنوان «بازتعریفی از ژئوپلیتیک شیعه با نگاهی به انقلاب بحرین» به تشریح و تبیین ژئوپلیتیک شیعه با تأکید بر شرایط و روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای و به ویژه جنبش‌ها و انقلاب‌های کشورهای عربی، خصوصاً بحرین می‌پردازند. همچنین رویکرد و واکنش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نسبت به این انقلاب نیز مورد بررسی و ریشه‌یابی واقع شده است. این پژوهش نیز دلایل برخورد دوگانه غرب را با استناد به بازتعریفی از تحول ژئوپلیتیک شیعه در ارتباط با انقلاب بحرین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

علی آدمی (۱۳۹۱)؛ در مقاله‌ای با عنوان «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» با تکیه بر مکتب کپنهاگ و نظریه بوزان، به بررسی تأثیر بحران بحرین بر امنیت خلیج فارس و جایگاه منطقه‌ای ایران پرداخته است. نویسنده در فرایند شکل‌گیری این پژوهش به این موضوع پرداخته که بحران‌هایی نظیر سقوط رژیم بعث عراق و بحران بحرین در اردوگاه کشورهای عربی طرفدار غرب با تغییر قدرت بازیگران کانونی منطقه‌ای خلیج فارس (ایران، عربستان و عراق) به افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران کمک خواهد نمود.

پینار آکپینار^۱ (۲۰۱۵)؛ در پژوهشی با عنوان «میانجی‌گری به مثابه ابزار سیاست خارجی در بهار عربی؛ ترکیه، قطر و ایران»؛ استفاده از ابزار میانجی‌گری توسط این سه بازیگر در بحران‌های ناشی از بهار عربی، را در راستای اولویت‌های سیاست خارجی آن‌ها می‌داند. نویسنده در ادامه می‌افزاید؛ در طی جنبش‌های اجتماعی در بحرین، ایران تلاش کرد با وساطت و میانجی‌گری بین شیعیان و مقامات آل‌خلیفه به حل و فصل این بحران کمک کند؛ اما با توجه به جهت‌گیری‌های ضد ایرانی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، در این زمینه هیچ پیشرفتی حاصل نشد. نوآوری و تازگی مقاله حاضر در این است که اگرچه مقالات و پژوهش‌های انجام شده در خصوص رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی بحرین بیشتر بر ابعاد ژئوپلیتیک و

1. Pinar Akpınar

ژئواستراتژیک این جنبش و عمدتاً با تأکید بر رقابت و زورآزمایی ایران و عربستان و هم‌پیمانان منطقه‌ای ریاض در صحنه سیاست بحرین انجام پذیرفته است؛ اما پژوهش حاضر سعی دارد؛ عمدتاً با تکیه بر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و همچنین فهم و برداشت بین‌الذهانی منبعث از نظریه سازه‌انگاری به نقش جمهوری اسلامی و سیاست این کشور در قبال تحولات بحرین بپردازد. برداشت هویتی جمهوری اسلامی ایران از معترضان شیعی و پیامدهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال بیداری اسلامی بحرین نیز بر نوآوری و تازگی پژوهش حاضر افزوده است.

مبانی نظری تحقیق: نظریه سازه‌انگاری

برای بررسی و شناخت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی در بحرین، از رهیافت‌ها و تئوری‌های متفاوتی به عنوان ابزار تحلیلی استفاده می‌شود. اما به نظر می‌رسد؛ رهیافت «سازه‌انگاری»^۱ می‌تواند در تبیین این تحولات جامع‌تر از بقیه رهیافت‌ها و تئوری‌های روابط بین‌الملل باشد. سازه‌انگاری که از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد مباحث روابط بین‌المللی شد، ریشه در مسأله جامعه‌شناختی دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن مطرح شد. فردریک کراتر چویل، نیکلاس اونف و الکساندرونت از متفکران اصلی این دیدگاه در روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند (راه‌چمنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴۶). سازه‌انگاری از جمله نظریات دارای هستی‌شناسی ضد ماتریالیستی که با رویکردی انتقادی معتقد است رویکردهای خردگرا به دلیل کم توجهی به عنصر فرهنگ و مجموع انگاره‌ها در تحلیل مسائل پیرامون دچار نقصان می‌باشند و برای تفسیری جامع از عرصه بین‌المللی باید انگاره‌ها، قواعد، هنجارها و فرهنگ را نیز دخیل دانست (متقی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). سازه‌انگاری از نظر معرفت‌شناسی حد وسط پوزیتیویسم و پساپوزیتیویسم ارزیابی می‌شود. این رویکرد تحت تأثیر گرایش‌های هرمنوتیک، معتقد است که واقعیت اجتماعی و رفتار انسان را می‌توان با عنایت به قالب ذهنی تفسیر کرد. مدلول این رویکرد نشان دادن تأثیر ساخت نرم‌افزاری نظام ذهنی، باورها و هنجارها بر رفتار سیاست خارجی است. مهم‌ترین اصل هستی‌شناختی سازه‌انگاری در

همپوشانی با این مبانی، ناظر بر این مطلب است که «ساختارهای فکری و معرفتی» دست کم به اندازه «ساختارهای مادی» اهمیت دارند. زیرا این نظام‌های با معنا هستند که تعریف می‌کنند که کنش‌گران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶). تحلیل سازه‌انگاره از سوی دیگر، متوجه تأثیر تاریخ در شکل دادن به سیاست خارجی نیز هست. در این راستا؛ سازه‌انگاری معتقد است که هویت یک دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص و ویژه، آن را پشتوانه عملکرد امروزی خود قرار می‌دهند. بدون شک تحلیل سازه‌انگاره از سیاست خارجی به دنبال کنار گذاشتن الگوی سنتی نیست، بلکه با گرفتن وسایل تحلیل آن، به زنده کردن روشمند نقش باورها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل سیاست خارجی می‌پردازد (ونت، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

در تئوری روابط بین‌الملل، تحقیقات اولیه سازه‌انگاری در رابطه با نقش هویت دولت‌ها عنوان می‌دارند که هویت بر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تأثیرگذار است. هویت به گفته لینچ نشانگر «میزان درک دولت‌ها از مفاهیم و اهداف سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش دولت در جهان و انواع منافعی که ارزش پیگیری دارند، می‌باشد». هویت دولت به طور مستقیم بر بافت سیاست‌گذاری خارجی مؤثر است. این دیدگاه بر این باور است که هویت پیچیده و چند بُعدی بوده و بایستی در طول زمان ساخته شود (ذوالقدر و میرمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۶). بنابراین تئوری سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل درها را به سوی بررسی هویت‌سازی گشوده است. از نظر سازه‌انگاران، روابط بین‌الملل تنها در چارچوب نظامی از بازیگران اجتماعی که در تعامل با یکدیگر هستند و تعامل آن‌ها بر مبنای قواعد و هنجارهایی صورت می‌گیرد که در یک محیط بین‌الذاتی شکل گرفته‌اند، فهمیده می‌شود و این جامعه‌ای است که رفتار اشخاص به آن قوام می‌بخشد و همزمان نیز، خود این اشخاص قوام یافته جامعه هستند (Onuf, 2002: 8). الگوهای هنجاری، بر هویت اثر می‌گذارد، هویت نیز انتخاب عقلانی را قوام می‌بخشد و به ملت‌ها اجازه می‌دهد؛ به دسته‌بندی کنش‌گران دیگر اقدام کنند و واقعیتی سلسله‌مراتبی از «خود» و «دیگری» بسازند که بر اساس آن دوست و دشمن مشخص شود (عابدی‌اردکانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۰). به هر حال، از منظر سازه‌انگاری بازیگران جهان خود را می‌سازند و تحلیل سیاست خارجی از دولت به عنوان یک بازیگر آغاز می‌شود. یعنی بازیگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و اجرا می‌کنند. سیاست خارجی تا اندازه‌ای عمل بر ساختن

چیزی است که بازیگران تصمیم می‌گیرند و این دیدگاه اثر عوامل داخلی (هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ‌ها) بر سیاست خارجی را نشان می‌دهد. بنابراین، باید گفت از دیدگاه سازه‌انگاری هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ‌ها نقش مهمی در سیاست خارجی بازی می‌کنند. هویت و منافع دولت‌ها را هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها می‌سازند و همین فرآیند است که اهمیت تعامل میان دولت‌ها را پیش می‌کشد (شفیعی وزمانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۴). سازه‌انگاران بر خلاف واقع‌گرایان، تنها به کارکردهای ابزارگونه آن در سیاست خارجی بسنده نمی‌کنند؛ بلکه در وجه‌ایجابی به نقش مذهب به عنوان یک متغیر مستقل در ایجاد یکپارچگی ملی و عامل ثبات سیاسی بین‌المللی می‌پردازند. این تلقی سازه‌انگاران از جایگاه و تأثیر هنجارهای دینی امروزه به طور خاص منزلت ایدئولوژیک ایران در بُعد بیرونی به ویژه در سطح افکار عمومی منطقه و الگو دهی به جنبش‌های اسلام‌گرا را توضیح می‌دهد. در واقع، ایران از این طریق در صدد برآمده تا از طریق این مؤلفه‌ها برای اثرگذاری بر تحولات بحرین به طور خاص و معادلات منطقه به طور عام استفاده کند و در این راستا؛ تلاش کرد مردم این کشور به حقوق ضایع شده خود دست یابند (خواجه سروری و رحمتی پور، ۱۳۹۶: ۱۸۴). در واقع، کشور بحرین به واسطه اکثریت جمعیت شیعی و قرار گرفتن در منطقه خلیج فارس، بیشترین قربت را با مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران برقرار نموده است که در این زمینه، یکی از مهم‌ترین عوامل بسترساز بیداری اسلامی ایجاد شده در این کشور تلقی می‌شود (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۲). به عبارت دیگر؛ عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به بیداری اسلامی بحرین، فاکتورهای عینی و مادی نیست، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیم بر منافع و هویت ایران اسلامی گذاشته است. در این راستا، تهران با تکیه بر ابعاد قدرت نرم انقلاب اسلامی و در چارچوب برداشت و فهمی بین‌الذنهانی از نقش و سیاست خود و از سویی مواضع و رفتارهای سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به اتخاذ اقدامات و سیاست‌های خود در قبال بیداری اسلامی بحرین مبادرت می‌نماید و در این خصوص ضمن مخالفت ورزیدن با سیاست فشار و ارعاب خاندان آل‌خلیفه، در راستای هر چه مطلوب‌تر شدن وضعیت سیاسی شیعیان بحرین و تأمین حقوق دموکراسی آن‌ها گام بر می‌دارد. لذا جمهوری اسلامی، در صدد است با تکیه بر آموزه‌های مذکور در نظریه سازه‌انگاری به خصوص مسائل هویتی و بین‌الذنهانی، تحولات بحرین را در راستای اهداف و سیاست‌های معترضان شیعی شکل بخشد و از این طریق

ضمن کمک به فراهم شدن شرایط مناسب برای شیعیان این کشور، نظم و الگوی منطقه‌ای را به نفع تهران و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در غرب آسیا صورت بخشید.

روند و چگونگی شکل‌گیری بیداری اسلامی در بحرین

تاریخ بحرین در چند دهه‌ی گذشته نشان‌دهنده‌ی اعتراضات مکرر و مستمر مردمی علیه رژیم آل خلیفه به شکل‌های مختلف جنبش‌ها و حرکت‌های اصلاحی، دینی، اجتماعی و سیاسی بوده است. به طوری که این کشور کمتر آرامش و ثبات سیاسی به خود دیده است. نگاهی به گذشته سیاسی بحرین نشان می‌دهد؛ تقریباً به صورت دوره‌ای، طی چهل سالی که از استقلال آن گذشته است در هر ده سال یک قیام به وقوع پیوسته، که این امر نشان از ناپایداری نظام سیاسی در بحرین است که جامعه، نظام سیاسی حاکم بر آن را تافته‌ای جدا بافته از سرنوشت خویش تلقی می‌کند (گلی‌زواره‌ای، ۱۳۹۱: ۳۰-۳۵). با این حال، اعتراضات وسیع و قیام مردمی در سال ۲۰۱۱ تحولی بسیار گسترده و عمیق‌تر در مقایسه با اعتراضات دهه‌های گذشته محسوب می‌شود که وقوع آن به نوع رویکرد خاندان حاکم، عملکرد آن‌ها، روابط دولت و جامعه بر می‌گردد (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

نوپایی کشور بحرین، زمینه نداشتن بلوغ سیاسی، نوعی وابستگی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های را برای این کشور فراهم آورده است. به همین دلیل موج‌های کوتاه بحران‌زا باعث تنش و ناپایداری درونی آن می‌شود (اخباری و نامی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). اگرچه اعتراض و مقاومت شیعیان، امری دیرپا در سنت سیاسی این کشور محسوب می‌گردد. با این حال، اعتراضات وسیع و قیام مردمی سال ۲۰۱۱ تحولی بسیار گسترده و عمیق‌تر در مقایسه با اعتراضات دهه‌های گذشته محسوب می‌شود که وقوع آن به نوع رویکرد خاندان حاکم، عملکرد آن‌ها، روابط دولت و جامعه بر می‌گردد. جنبش مردمی بحرین، مُلهم از شورش‌های عربی در فوریه ۲۰۱۱، خواستار پادشاهی مشروطه شدند. درخواست‌های معترضان ماهیت فرقه‌ای نداشت و آن‌ها بیشتر بر حقوق سیاسی و مدنی خود تمرکز کرده بودند. در واکنش به این اعتراضات، رژیم آل خلیفه بی‌درنگ با اعزام نیروهای نظامی و امنیتی با این اعتراضات برخورد کرد. اعتراضات در روزها و ماه‌های بعدی با کمک رسانه‌ها شدت یافت. رویارویی‌ها بین معترضان و نیروهای امنیتی هنگامی که جمعیت کشته‌شدگان و مجروحان را به بیمارستان می‌بردند، بالا گرفت و شعارهای مرگ بر آل خلیفه سر

دادند. در فوریه ۲۰۱۲ الجزیره گزارش داد که در این درگیری‌ها دست کم ۸۰ نفر کشته و ۳۰۰۰ نفر مجروح شدند (Sackman, 2011: 8). انقلاب بحرین مثل دیگر تحركات دموکراسی خواهانه، ابتدا به شکل سیاسی و فقط با درخواست اصلاحات سیاسی و اقتصادی شروع شد و بحرینی‌ها تلاش کردند با تجمع در میدان «لؤلؤ» در منامه- پایتخت این کشور- رژیم را وادار به اصلاحات کنند. در این میان، حمدبن عیسی آل خلیفه که انقلاب ۱۴ فوریه را انقلاب اراذل و اوباش خواند، دستور سرکوب را صادر و ماشین نظامی امنیتی رژیم حاکم، منامه را به میدان خشونت و جنگ تبدیل کرد. در این رابطه، نیروهای امنیتی بحرین که دیگر تاب مقاومت مقابل معترضان را نداشتند دست به دامان عربستان و امارات شده و پس از چند روز نیروهای «سپر جزیره» به طور مستقیم مدیریت عملیات سرکوب را برعهده گرفتند (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۸۴). رژیم آل خلیفه با این تصور که موج ارباب و سرکوب باعث خواهد شد معترضان دست از اعتراضات خود بردارند، دامنه حملات خود علیه تظاهرکنندگان را افزایش داده و حتی برخی مناطق را برای ماه‌ها محاصره کردند. در حالی که انتظار می‌رفت مجموعه کشورهای غربی مانند کشورهای تونس، لیبی و سوریه عکس‌العمل نشان دهند، قدرت‌هایی چون آمریکا و بریتانیا با نشان دادن چراغ سبز به اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم آل خلیفه، راه را برای سرکوب بیشتر مزدوران این رژیم هموار کردند. از طرفی، واکنش منفعلانه «کمیته بسیونی» (کمیته حقیقت‌یاب حمدبن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین که شریف بسیونی ریاست آن را برعهده دارد) نیز موجبات تشدید سرکوب‌ها در بحرین را فراهم آورد. تمامی تحركات منفی رژیم آل خلیفه باز هم نتوانست جلوی موج خشم عمومی را سد کند و بحرین طی این مدت تقریباً به صورت مستمر شاهد برگزاری تظاهرات و اعتراضات گسترده بوده است (Tashjian, 2013: 9). اعلام حالت فوق‌العاده، شکاف فزاینده دولت و جامعه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز خاندان آل خلیفه را می‌توان اصلی‌ترین عوامل بروز تحولات و اعتراضات سیاسی کنونی مردم بحرین محسوب کرد. این شکاف، ریشه‌ای تاریخی دارد و متغیرهای سیاسی- امنیتی داخلی و خارجی بر آن تأثیر می‌گذارند (دهشیری و عبدالله خانی، ۱۳۹۴: ۶۳).

برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بروز بیداری اسلامی در بحرین عبارتند از:

۱- وجود حکومت استبدادی و غیردموکراتیک: نظام سیاسی بحرین همچون اکثریت

کشورهای عربی منطقه، پادشاهی استبدادی است و ماهیتی اقتدارگرایانه و قبیله‌ای دارد. رهبران این کشورها اختیاراتی مافوق قانون اساسی دارند و در مقابل اختیارات و وظایف‌شان نیازی به پاسخگویی به مردم و نمایندگان نمی‌بینند (ذاکریان، ۱۳۸۲: ۵۱).

۲- وابستگی دولت بحرین به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اتخاذ سیاست‌های همسو با آنان و بی‌توجهی به افکار عمومی در ایجاد و اجرای سیاست خارجی: با نگاهی به سیاست‌های بحرین در قبال تحولات منطقه، به خوبی مشخص می‌شود که بحرین به جای اتخاذ تصمیمات مستقل و پذیرش یک نقش فعال در تحولات منطقه، همواره از سیاست‌های ایالات متحده و سایر نیروهای فرامنطقه‌ای تبعیت و پشتیبانی کرده است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

۳- تبعیض و عدم مشروعیت سیاسی: در بحرین قدرت سیاسی و اقتصادی در اختیار اقلیت است و در زمینه توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی، اجحاف زیادی بر شیعیان بحرین روا داشته شده است و این گروه که دارای رأی اکثریت در کشور خود می‌باشند، همواره در معرض تبعیض‌های گوناگون و به ویژه تبعیض مذهبی بوده‌اند (choi, 2003: 41).

۴- انتخابات مجلس (پیش‌زمینه‌ی شکل‌گیری اعتراضات بحرین): یکی دیگر از دلایلی که نقش مهمی در ظهور و بروز خیزش مردم بحرین در مقابل دولت داشت، به زمان پیش و پس از انتخابات مجلس در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۰ برمی‌گردد که مردم به کاندیداهای مستقل رأی دادند و ترکیب مجلس به سمت افراد مستقل تمایل نشان داد (توتی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۵). بنابراین، مجلس این دوره شاهد حضور نمایندگان بود که عمدتاً منعکس‌کننده خواست‌ها و علایق مردم بودند، نه دولت بحرین و طبیعی است که این امر برای دولت بحرین بسیار نگران‌کننده باشد (بهرامی و خدادادی، ۱۳۸۹). در این رابطه، می‌توان گفت که با توجه به حمایت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به نظر نمی‌رسد در کوتاه مدت اعتراض‌های مردمی در بحرین موقعیتی کسب کنند. در این شرایط اگر هم توافقی بین مردم بحرین و حکومت آل‌خلیفه رخ دهد مطمئناً از سر اضطرار خواهد بود نه رضایت و یقیناً مقطعی می‌باشد (رضایی و جهانپیان، ۱۳۹۳: ۸).

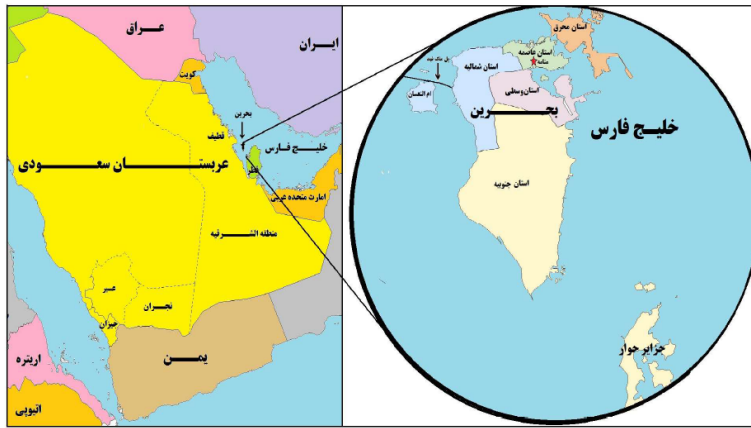
بحران بحرین به دلیل موقعیت خاص این کشور و منافع و ملاحظات بین‌المللی و منطقه‌ای عمده در قبال تحولات آن، باعث شکل‌گیری واکنش‌ها و رویکردهای مختلف به خصوص

از سوی بازیگران منطقه‌ای شد. در این راستا؛ جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتی مهم و تأثیرگذار در منطقه، رویکرد خود را با توجه به اصول و آموزه‌هایی که سیاست خارجی بر آن مبتنی است و با توجه به رهنمون‌های رهبر انقلاب اسلامی که مسأله بحرین را از لحاظ ماهیت درست مانند مسائل دیگر کشورها دانستند و هیچ تمایزی میان آن‌ها قائل نشدند و بر این امر تأکید کردند که: «ما بنای مداخله در مسأله بحرین نداریم، چرا که نه ممکن و نه مطلوب ماست» (هزاوه‌ای و باوریان، ۱۳۹۵: ۱۸۲-۱۸۱) شکل داده است. تلاش در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی که به نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می‌شود را می‌توان افزایش عمق راهبردی ایران محسوب کرد (دهشیری و عبدالله‌خانی، ۱۳۹۴: ۶۶).

اهمیت استراتژیک بحرین برای جمهوری اسلامی ایران

خلیج فارس از جمله مناطقی است که از دیرباز عرصه رقابت ژئوپلیتیکی گسترده‌ای میان کشورهای ساحلی و نیز قدرت‌های بزرگ جهانی و یکی از مهم‌ترین مراکز ثقل مناسبات ژئوپلیتیکی و بین‌المللی بوده است. بحرین کشوری جزیره‌ای در جنوب خلیج فارس است. این کشور مرکب از سی و پنج جزیره با وسعت ۶۹۵ کیلومتر مربع، کوچکترین کشور منطقه خلیج فارس به شمار می‌آید (آدمی، ۱۳۹۱: ۲۹). همچنین شیعیان در کشور کوچک بحرین، با اینکه هفتاد درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، تحت سلطه حکومتی سنی قرار دارند (Fuller & Franck, 1999: 54). قطع نظر از تاریخ پر فراز و نشیب جنبش اسلامی شیعیان، باید گفت که جایگاه و موقعیت معاصر آنان، در پیوند با شیعیان ایران تعریف شده است. از این‌رو است که وجود مبانی نظری مشترک مذهب شیعه و اشتراکات تاریخی-فرهنگی، از جمله شاخص‌هایی است که همبستگی ایدئولوژیکی و تاریخی-فرهنگی بین نظام ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و معارضان اسلامی بحرین، به‌ویژه شیعیان را موجب شده است (شاه قلعه و اخوان کاظمی، ۱۳۹۵: ۹). بنابر اطلاعات موجود حدود ۸۱/۲ درصد از ساکنان بحرین مسلمان و ۹ درصد نیز مسیحی هستند و ۹/۸ درصد از ساکنان این کشور نیز از مذاهب دیگر

می‌باشند (هاشمی نسب، ۱۳۸۹: ۱۲). بحرین از جمله مناطقی بود که ساکنان آن در ابتدای ظهور اسلام مسلمان شدند. از نخستین والیان رسول‌الله (ص)، ابان بن سعید، در دوستی با علی بن ابی طالب (ع) شهره بود. این عامل نقش مؤثری در گسترش تشیع در میان مردم بحرین داشته است (اسلامی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). از آن زمان تاکنون، شیعیان و علمای شیعه بحرین همواره با مراکز تشیع در ایران و عراق مرتبط بوده‌اند و معمولاً در مسائل فقهی و مذهبی با حوزه‌های علمیه دو کشور ارتباط تنگاتنگ داشته‌اند. بحرین، از نظر ژئوپلیتیکی جایگاه خاصی از منظر جمهوری اسلامی ایران دارد و جزء همسایگان و دارای مرز آبی با ایران است. بحرین برای جمهوری اسلامی ایران تنها در حکم یک همسایه عادی نیست؛ بلکه این کشور در ورود ایران به ترتیبات امنیتی، سیاسی و فرهنگی کشورهای حاشیه خلیج فارس نقش مهمی دارد. هویت ایرانی و شیعی مردم بحرین در کنار مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن باعث شده است که این کشور در راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره در کانون توجه قرار گیرد (نیکو، ۱۳۹۴: ۱-۵). این کشور از دیرباز به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بحرین کشوری است که روزگاری جزئی از پیکره ایران بود، هر چند که براساس پیمان‌های ۱۸۸۲ و ۱۸۹۲ این کشور عملاً در زیر سیطره انگلستان قرار داشت. این کشور کوچک جزیره‌ای در طی نظرسنجی که از سوی سازمان ملل انجام گرفت از ایران جدا شد و راه استقلال را پیمود. ایران به عنوان کشور مادر در اقدامی رسمی استقلال بحرین را به رسمیت شناخت و هیئت حسن‌نیتی را در سال ۱۹۴۹ به سرپرستی منوچهر فلکی راهی بحرین کرد تا روابط با کشور تازه تأسیس آغاز گردد. با بازگشت نمایندگان ایران از بحرین روابط بین دو کشور روزبه‌روز گسترش بیشتری پیدا کرد (طلائی، ۱۳۹۴: ۱). اگرچه بحرین کوچک‌ترین کشور حاشیه خلیج فارس است ولی نزدیکی آن به ایران و وجود منابع انرژی بر اهمیت جغرافیایی و استراتژیک آن افزوده است، طوری که هم‌اکنون این کشور دارای جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاصی است (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۸۰-۷۹). در تحلیل ژئوپلیتیکی بحرین باید گفت؛ موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن این کشور در قلب منطقه خلیج فارس، به آن جایگاه استراتژیک خاصی بخشیده است. اگرچه بحرین از نظر جمعیت و وسعت، کوچک‌ترین کشور حاشیه خلیج فارس است، ولی نزدیکی آن با سواحل ایران و اکتشافات چاه‌های نفت و وجود چشمه‌های آب شیرین از دیر باز بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی آن افزوده است (کتاب سبز بحرین، ۱۳۸۸: ۲۲).



(افضالی و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۸۱)

شیعیان در این کشور کوچک یک میلیون نفری (با مساحت حدود ۶۶۰ کیلومتر مربع) اکثریت جمعیت (حدود ۷۰ درصد) را تشکیل می‌دهند و همواره از تبعیضی که اقلیت سنی مذهب بر آنها روا داشته‌اند، شکایت نموده‌اند؛ بویژه که بدنبال آغاز اعتراضات خیابانی، دولت بحرین سیاست تغییر بافت مذهبی این کشور را، که از مدت‌ها قبل آغاز نموده بود، با اعطای تابعیت به ۶۰ هزار عرب خارجی اهل تسنن تشدید کرد. سرکوب خشونت‌بار اعتراضات شیعیان در بحرین در پی قیام مردمی ۲۰۱۱ در این کشور، اگرچه با سکوت جهان عرب همراهی می‌شود، اما دولت و جامعه داخلی در ایران و برخی دیگر از کشورهای منطقه و جهان به آن واکنش نشان داده‌اند. بنابراین با حمایت جمهوری اسلامی ایران از نقش عنصر شیعه در بحرین به افزایش نقش و نفوذ تهران در منطقه کمک خواهد کرد. بر این اساس، جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و آرمان‌های انقلابی با استفاده از رویکردی مسالمت‌آمیز و بکارگیری ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای و گفتگو با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی برای حل قضیه بحرین تلاش می‌کند (هزاوه‌ای و باوریان، ۱۳۹۵: ۱۸۶). از این رو، ایران ضمن حمایت از قوای انقلابی از به قدرت رسیدن آنها خرسند است تا ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای خود، رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین دشمن استراتژیک خود را با محدودیت‌های جدی روبه‌رو سازد. همسایگی مصر با رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانی با آن از مواردی است که بحرین را در سیاست

خارجی ایران برجسته و با اهمیت می‌کند (توتی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۸).

تأثیرات قدرت نرم انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی در بحرین

یکی از مسائل مهمی که این تحقیق بر اساس آن شکل گرفت، مشاهده تشابهات زیاد میان حرکت انقلابی مردم بحرین با انقلاب مردم ایران است. شعارها و نمادها، رهبری قیام و فرهنگ شهادت از جمله وجوه مشترک میان انقلاب دو ملت ایران و بحرین است.

۱- شعارها و نمادها

با توجه به ویژگی‌های جامعه‌ی ایران مشاهده می‌شود که آنچه در شعارها به کارگرفته شده در جریان انقلاب اسلامی ایران بیش از پیش به چشم می‌خورد تکیه بر ارزشهای اسلامی مانند توکل بر خدا و ظلم ستیزی است. در این خصوص، مطالعه شعارهای به کارگرفته شده توسط ملت بحرین، شباهت‌های زیادی را با شعارهای مطرح شده در انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد. شعار «منصورین و الناصرالله» شعار جدیدی است که در این انقلاب از سوی مردم سر داده شده است. همچنین شعار «هیئات من الذل»، «لبیک یا اسلام»، و «إن نركع الا لله» و شعارهایی از این دست، که از ارتباط گسترده انقلاب بحرین با ارزش‌های اسلامی حکایت می‌کند (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲: ۲۰۲). در این رابطه، مردم بحرین نیز با پرچم‌های «یا حسین (ع)» به خیابان‌ها آمده و با ندای یا علی (ع) و یا زهرا (س) به خاک افتاده و به شهادت رسیده‌اند. آمیخته شدن راهپیمایی‌های مردم بحرین با سینه‌زنی و پوشانیدن تابوت‌های شهدا با پارچه‌های مزین به عبارت «علی ولی الله»، اقامه نمازهای جمعه و جماعت در معابر عمومی، انجام شعائر اسلامی در مراکز دولتی و ... نشانه‌هایی از شکل‌گیری یک هویت طلبی اسلامی سرکوب شده هستند (رهبر و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰-۱۹).

۲- رهبری قیام

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر حرکت‌های عصر حاضر رهبری توسط روحانیت شیعه بود، مردم ایران در سال‌های منتهی به انقلاب و بعد از آن با حرکت در مسیر ترسیم شده توسط امام خمینی (ره) بود که توانستند بر مشکلات غلبه کرده و امروزه ایران

را به عنوان ابرقدرت برتر منطقه‌ای تبدیل کنند. بحرین تنها کشور دست‌خوش تحولات است که انقلاب آن از رهبری منسجمی برخوردار است. در میان شخصیت‌های موجود در کشور بحرین کسی که بیشترین تأثیرگذاری را بر انقلاب دارد، آیت‌الله «عیسی احمد قاسم الدرازی البحرانی» است. حمایت ایشان از حرکت‌های اجتماعی در بحرین نقش تعیین‌کننده‌ای در حضور مردم و شکل‌گیری تحولات دارد (زارع مهریزی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

۳- فرهنگ مقاومت و شهادت

بذل‌جان و چشم‌پوشی بر تمام لذایذ دنیوی در راه رضای خداوند در فرهنگ اسلامی و به خصوص فرهنگ شیعی، از جایگاه والایی برخوردار است. شهادت در فرهنگ شیعیان بالاترین مقامی است که یک انسان می‌تواند به آن دست یابد. الگوگیری از قیام عاشورای امام حسین در مبارزه با طواغیت از چشمه‌های تغذیه‌کننده قیام‌های شیعیان در طول تاریخ به شمار می‌آمده است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین انقلاب شیعی عصر حاضر نیز با تکیه بر این فرهنگ شگفتی‌های بزرگی را رقم زد. این مسأله در قیام اخیر مردم بحرین نیز نقشی محوری را برعهده داشته و باعث اوج‌گیری قیام شده است. شیخ عیسی قاسم نیز در جایگاه یک عالم دینی و رهبر مردم بحرین، بارها بر اهمیت شهادت و خون شهید در جریان انقلاب تأکید کرده است (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

۴- ضدیت با حکومت‌های مستبد و ضد اسلامی منطقه

یکی دیگر از شاخصه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ضدیت و مبارزه با رژیم‌های دیکتاتور و مستبد و ضد اسلامی است، چراکه اساساً شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سرزمینی بود که یک حاکم مستبد و دیکتاتور بر آنجا حکومت می‌کرد و لذا صدور و اشاعه این انقلاب به انقلاب‌های عربی، دلیلی دیگر بر تأثیرگذاری نرم انقلاب اسلامی بر این انقلاب‌ها است. مردم بحرین در تلاش برای سرنگون کردن حاکمانی هستند که ماهیت آن‌ها کاملاً دیکتاتوری و ضد اسلامی بوده است و همگی دست‌نشانده غرب و آمریکا هستند. این حاکمان به ظاهر اسلامی، پس از روی کار آمدن، مبارزه گسترده‌ای را در جهت مقابله با اسلام و فرهنگ اسلامی و گروه‌های اسلام‌گرا در کشور خویش آغاز نمودند تا آنجا که نمادهای اسلامی را محو کردند که نمونه‌های

آن، جلوگیری از برگزاری نماز جمعه و جماعات، منع حجاب، برپایی مراکز فساد و فحشا، رباخواری و ظلم در سیستم اداری و ... بوده است (رهبر و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱).

۵- تقویت خودآگاهی سیاسی شیعیان بحرینی

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، کشورهای اسلامی از امواج تبلیغاتی انقلاب اسلامی ایران در امان نماندند. انقلاب ایران خودآگاهی سیاسی شیعیان بحرین را تقویت و برای اعتراضات عمومی تشویق کرد (Jones, 2006: 213-233). روحانیون ایران در مورد بحرین سخنرانی کردند و اعضای جنبش شیعی بحرین (جبهه اسلامی آزادی بحرین) به تهران سفر کردند. تا پیش از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ اپوزیسیون بحرینی - شیعه و سنی - تحت تأثیر بحرینی‌های سکولار بود. پس از انقلاب جنبش‌های اسلامی بحرین، رهبری اپوزیسیون را در دست گرفتند. با گشودن این فصل جدید مذهبی، شیعیان این کشور آرام آرام در سمینارهای مذهبی در قم و دیگر نهادهای روحانیون شیعی ایران حضور یافتند. برای نخستین بار مراسم نماز جمعه در بحرین برای بحث در مورد شکایات در مورد بیکاری و عدالت اجتماعی در مساجد برگزار شد (Bahri, 2000: 131).

۶- ایجاد و توسعه ساختار و قدرت شبکه‌ای

انقلاب اسلامی ایران، مبتکر بهره‌گیری از قدرت شبکه‌ای مهار ناپذیر مردمی شناخته می‌شود. پیوند عمیق شبکه مساجد، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه، جلسات وعظ و سخنرانی مذهبی، علما و روحانیان، مراکز و نهادهای خیریه و ... طیف وسیعی از نیروهای انقلابی ایران را دور از دست‌اندازی حکومت پهلوی به یکدیگر متصل می‌نمود. در روند شبکه‌ای شدن قدرت در انقلاب‌های عربی، امور و مسائل سیاسی نه امری مستقل و خارج از زندگی اجتماعی بلکه جزئی از زندگی روزمره فردی محسوب و از طریق شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌شود (Bayat, 2011: ۱۳). در انقلاب‌های عربی از جمله بحرین، اکثریت مردم نقش‌آفرینی گسترده‌ای در تداوم انقلاب دارند. ابتکاراتی مانند تجمع در میدان‌های اصلی شهرها، برپا کردن چادر، بیتوته کردن در میدان‌ها و خیابان‌ها، پشتیبانی و تدارکات همگانی و ... در نتیجه ارتباطات شبکه‌ای - افقی و همگانی حاصل شده است.

۷- تقابل با مداخله ایالات متحده آمریکا در بحرین

یکی از شاخص‌های اصلی قدرت نرم انقلاب اسلامی را می‌توان در ارتباط با مقابله با مداخله پایان‌ناپذیر قدرت‌های بزرگ دانست. این امر در واقع، واکنشی نسبت به فضای ناعادلانه سیاسی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۱۴). فضای بسته سیاسی در بحرین در دو دهه پیش باعث شد تا استقرار ناوگان پنجم آمریکا در این کشور بدون هیچ سر و صدایی صورت بگیرد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۶۲). ایالات متحده آمریکا، امروزه در تحولات انقلابی بحرین سیاست سکوت و حمایت تلویحی از رژیم آل خلیفه را دنبال کرده و بار دیگر بین ارزش‌های به زعم خودشان دموکراسی و حقوق بشر و منافع استراتژیک، گزینه دوم را انتخاب کرده است (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۶۰). این مسائل باعث شده تا روحیه آمریکاستیزی در بحرین بیشتر نمود پیدا کند و زمینه خیزش‌ها را فراهم آورد.

مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی بحرین

بیداری عظیم اسلامی که در غرب عموماً به عنوان بهار عربی از آن یاد می‌شود، طی چند سال اخیر تاکنون، زمینه‌ساز سقوط حکومت‌های دیکتاتوری در بعضی از کشورهای عربی غرب آسیا و شمال آفریقا شده است. بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین متأثر از سه دستاورد مهم انقلاب اسلامی، یعنی ضدیت با استعمار، حرکت در مسیر اسلامی کردن حکومت و جامعه و مبارزه با استبداد بوده است. این کشورها با الهام گرفتن از این دستاوردها، در مسیر انقلاب خود حرکت کردند. در این میان، انقلاب بحرین با توجه به شرایط خاصی که دارد، مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است. ملت بحرین از حقوق اولیه خود محروم می‌باشند و خواهان انقلاب، جهت به دست آوردن حقوق از دست رفته خود و برپا کردن جامعه مطلوب خود می‌باشند. بحرین از جمله کشورهایی است که از دیر باز شاهد جنبش‌ها و حرکت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی بوده است. جنبش‌های مردمی بحرین، در سال‌های اخیر، نمود زیادی داشته است. باید گفت که بحرین همانند سایر کشورهای عرب منطقه متأثر از موج خیزش‌های مردمی رو به آینده‌ای متفاوت گام برمی‌دارد و با توجه به حساسیت استراتژیک این کشور، تحت نظارت موشکافانه ایران از سویی و شورای همکاری خلیج فارس از سوی دیگر قرار دارد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

مذهب شیعه، به ویژه در مناطق پیرامونی ایران، از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. البته با وجود اینکه توسل به اتحاد شیعه، موقعیت ایران را به مثابه بازیگر فعال در منطقه تقویت کرده، اما دولت جمهوری اسلامی ایران برای پرهیز از اتهام‌هایی مانند برانگیختن شیعیان منطقه از جمله بحرین علیه حکومت‌های سنی و وابسته به غرب، بیشتر بر ارزش‌های مشترک در میان امت اسلام تکیه و تأکید می‌کند که ضمن سازگاری با نقش «ام‌القرایی» آن، حساسیت‌های کمتری را برمی‌انگیزد (توال، ۱۳۸۴: ۶۰). هویت ایرانی و شیعی مردم بحرین که برگرفته از تاریخ و سرنوشت مشترک این کشور با ایران تا قبل از جدا شدن آن در زمان رژیم پهلوی دوم، در کنار مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن باعث شده است که این کشور در راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره در کانون توجه قرار گیرد. به همین دلیل، جمهوری اسلامی ایران از هرگونه تحولات مردم‌سالارانه که مسلماً نتیجه آن به قدرت‌یابی شیعیان خواهد انجامید، استقبال می‌کند. از آغاز بحران، گروه‌های مختلف داخلی و به طور کلی مردم عادی نیز نوعی حس همبستگی و حمایت از هم‌نوعان نسبت به سرکوب مردم در بحرین داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مسأله بحرین، در سطح افکار عمومی ایران بسیار با اهمیت است (دهشیری و نجاتی‌آرانی، ۱۳۹۱: ۳۰۷-۳۰۱). ایران به مداخله سعودی‌ها در بحرین و تلاش‌های شورای همکاری خلیج فارس برای متهم کردن تهران به ایجاد ناآرامی در بحرین واکنش نشان داد و این مداخله را اشغال‌گری خواند. همچنین رهبران ایران خواستار مداخله سازمان ملل برای «توقف کشتار مردم بحرین» شدند (Terrill, 2011). منوچهر متکی وزیر سابق خارجه کشورمان نیز در یادداشتی که تقدیم رسانه‌ها نمود، اقدام سعودی‌ها در دخالت نظامی در بحرین را «بازی با آتش» خواند و به حکام ریاض توصیه کرد قبل از آن که دیر شود و سرنوشت نامناسبی برای سربازان عربستانی رقم بخورد، نیروهای خود را از بحرین خارج کنند (متکی، ۱۳۸۹).

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای وقوع تحولات انقلابی بحرین، تلاش داشته با استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد. این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از بحرین جدید به عنوان کشوری است که از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی با آن اشتراک دارد. این سیاست نیز سعی دارد با کم‌رنگ کردن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی، دو کشور را به مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند (مظفری، ۱۳۸۴: ۱۱۲). با توجه به این تفاسیر و به رغم محدودیت‌هایی که در پیش روی

ایران برای حضور فعال در تحولات بحرین وجود داشت؛ ایران در طول بحران بحرین سعی کرده است، از ابزارها و شیوه‌های مختلف برای حمایت از گروه‌های مخالف و توقف رویکرد سرکوب حکومت و حضور نیروهای سعودی و اماراتی استفاده نماید. بکارگیری ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای در جهت محکوم کردن آل خلیفه و به نمایش گذاشتن اعتراضات مردمی، برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات در اعتراض به اقدامات آل خلیفه و آل سعود و اقدامات نمادین اعتراضی در ایران و حتی سایر کشورهای منطقه، اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مانند؛ نوشتن نامه به دبیر کل سازمان ملل و رایزنی با مجامع بین‌المللی مانند؛ سازمان کنفرانس اسلامی، در این خصوص قابل اشاره است (اسدی و زارع، ۱۳۹۰: ۱۸۸). ایران، همچنین در مجمع عمومی، سستی و انفعال سازمان ملل متحد، را مورد سوال قرار داد و تأکید کرد: «نیروهای سپر جزیره، جنبش مردمی بحرین را سرکوب، به خانه‌های مردم حمله و تظاهرکنندگان را می‌ربایند، اما متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل متحد این موضوعات را نادیده می‌گیرد و هیچ موضعی اتخاذ نمی‌کند (Mehr News Agency, 2011: 14). در مجموع می‌توان گفت؛ تحولات بحرین در راستای منافع و دیپلماسی سیاست خارجی ایران است و بازبینی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا مبین این ادعا می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود؛ دولت جدیدی که در اثر انقلاب‌های مردمی تشکیل خواهد شد، به طور طبیعی به برقراری ارتباط مطلوب‌تر با ایران گرایش خواهد داشت. همچنین عربستان به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران، اکنون به طور واقعی درگیر حوادث بحرین شده است و خود را در محاصره جنبش‌های ضددیکتاتوری ملت‌های منطقه می‌یابد. شیعیان عربستان که عمدتاً در مناطق مجاور مرزهای بحرین زندگی می‌کنند، افزون بر پیوستگی جغرافیایی و همسانی مذهبی با اکثریت شهروندان بحرین، از نوعی هماهنگی سیاسی نیز با شیعیان بحرین برخوردارند؛ به گونه‌ای که همواره انعکاس تغییرات و حوادث این سوی مرز را می‌توان در کشور مجاور مشاهده کرد. از طرفی، مقامات سعودی همواره به طور پنهانی، سودای حاکمیت بر کل شبه جزیره عربستان را دارند. به همین دلیل، روی کار آمدن حکومتی شیعی و ناهمسو به جای آل خلیفه، که همواره متحدی راهبردی برای عربستان در شبه جزیره عربستان بوده است، پذیرفتنی نیست؛ به ویژه آن‌که استقرار دموکراسی در بحرین، احتمالاً سبب روی کار آمدن دولتی نزدیک و همسو با ایران در بحرین خواهد شد. این امر، از یک سو، سبب انشقاق در شورای همکاری خلیج فارس و مانع جهت‌گیری‌های هماهنگ در مواجهه با ایران خواهد شد و از

سوی دیگر، موقعیت محور ژئوپلیتیکی «مقاومت» را ارتقاء خواهد داد؛ امری که مجموعاً سبب تنزل جایگاه منطقه‌ای عربستان و ارتقای وزن و منزلت ژئوپلیتیکی ایران خواهد شد (افضلی و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۹۰-۸۹). در این میان، با توجه به این که تعارض مذهبی بین شیعه و سنی در بحرین یکی از دلایل بروز اعتراضات اخیر مردم شیعه مذهب علیه دولت آل خلیفه سنی مذهب است، یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران به مانند گذشته باید بر این مبنا باشد که حمایت معنوی خویش را از شیعیان این کشور ادامه دهد و همچنین مردم مظلوم بحرین نیز با پیروی از الگوی انقلاب اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری با اعتراض به نظام حاکم به حقوقشان دست یابند (دهشیری و عبدالله خانی، ۱۳۹۴: ۶۵).

در واقع، واکنش ایران به تحولات بحرین، بیشتر رتوریکال و منفعلانه بود. هیچ سندی و مدرکی مبنی بر مداخله ایران در بحرین وجود ندارد. بر عکس، ایران در طول حکومت نظامی در بحرین، وزیر امور خارجه خود را برای جلوگیری یا کاهش خسارات احتمالی در روابط خود به بسیاری از کشورهای خلیج [فارس] فرستاد (بازدید از دبی، ابوظبی، مسقط و کویت). به طور خلاصه، می‌توان واکنش ایران به این تحولات را ناشی از نقش‌های ملی ایران در گفتمان این کشور تلقی نمود. ایران در مورد تحولات بحرین، هیچ رفتاری مبنی بر حمله به عربستان سعودی و یا تشدید رقابت با این کشور به روش مستقیم در پیش نگرفت (Downs, 2012:22). با توجه به شرایط امروز جهان اسلام خصوصاً بحرین، انتظار می‌رود موج سوم بیداری اسلامی (تحولات اخیر خاورمیانه) با پشتوانه موج دوم بیداری اسلامی (انقلاب اسلامی ایران)، به شکل‌گیری جلوه جدیدی از تمدن اسلامی با احیای این تمدن در قالب‌های نو و متناسب با شرایط زمانی و مکانی موجود بینجامد. آن چنان که پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ ملت مسلمان ایران بود و توانست ایده‌ای جدید با مؤلفه‌ها و آرمان‌های نوین برای جهانیان محصور در خرد بی‌بنیان سوداگرانه عرضه کند. به دلیل آنکه بحرین یک کشور شیعی است، ایران هم به طور طبیعی همانند هر کشور دیگری به حق و حقوق هم‌نوعان و هم‌مذهبان خود در منطقه حساس است (دهشیری و عبدالله خانی، ۱۳۹۴: ۶۶). در پایان باید در نظر داشت که به رغم برخی اقدامات دولت بحرین برای کاهش مخالفت‌ها و به خصوص ایجاد چهره‌ای اصلاح طلب و مسالمت‌جو از حکومت، این اقدامات سطحی که تنها با هدف کاهش نارضایتی‌ها صورت می‌گیرد؛ نتوانسته است باعث کاهش شکاف بین اکثریت مردم و حاکمیت آل خلیفه شود.

در نتیجه، اعتراضات مردمی تداوم یافته و حکومت نیز از ابزارهای امنیتی برای کنترل بحران استفاده می‌کند (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۵۵).

چالش‌ها و پیامدهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی بحرین

با ورود موج بیداری اسلامی از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ به بحرین، مردمان این کشور متأثر از جنبش‌ها و بیداری برخاسته از تونس و مصر در خیابان‌ها، شروع به اعتراضات نمودند و این نارضایتی‌ها، بر محورهایی چون حکومت انتخابی، آزادی مطبوعات، پایان تبعیض مذهبی و حق برخورداری از تشکل‌ها و سازمان‌های سیاسی استوار بوده است (Bayat, 2011: 103). از آن زمان تاکنون فضای سیاسی، امنیتی و اجتماعی بحرین دستخوش تحولات و فراز و نشیب‌های گسترده شده است. این تغییرات هر چند منشأ داخلی داشته با این حال آثاری و رای مرزهای داخلی برجای گذاشته و امنیت منطقه‌ای را تحت تأثیر منفی خود قرار داده است. موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران در قبال این بحران نیز در چارچوب رویکرد امنیت منطقه‌ای قابل درک و تبیین است. ایران به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای طبعاً نمی‌تواند نسبت به امنیت محیط پیرامونی خود بی‌تفاوت باشد. تأمین امنیت، کارکرد ذاتی سیاست خارجی کشورهاست. از این نگاه، جمهوری اسلامی ایران برخلاف اتهامات وارد شده، رویکرد طایفه‌ای به بحران بحرین ندارد بلکه آن را به عنوان یک نگرانی امنیتی می‌بیند (روحانی، ۱۳۹۳: ۱۳). آنچه که بر نگرانی‌ها نسبت به بحران بحرین می‌افزاید، تبعات منطقه‌ای آن است. بدون تردید نقطه آغازین سرایت بحران از داخل به خارج، مداخله نظامی عربستان در روند سرکوب اعتراضات به هنگام شروع بحران بوده است. این اقدام چالش جدیدی در روابط عربستان با جمهوری اسلامی ایران به عنوان دو قدرت اثرگذار منطقه بر جای گذاشته و بر اختلافات منطقه‌ای دو طرف افزوده است (روحانی، ۱۳۹۳: ۲). ایران‌هراسی موضوع جدیدی در منطقه خاورمیانه نیست. غرب و آمریکا همواره تلاش داشته‌اند با گسترش موج ایران‌هراسی، به فروش تسلیحات و حضور سیاسی و نظامی خود در منطقه خاورمیانه بیفزایند. در حال حاضر شاهد چهره‌ای امنیتی شده از ایران در منطقه هستیم، که این تصویرسازی اثر قابل توجهی در سیاست‌های نظامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دارد (عسگرخانی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

فارغ از مسائل داخلی و بین‌المللی، ناآرامی‌های بحرین نیز سبب شده است دوباره تمرکز حول این موضوع افزایش یابد و فشارهای مضاعفی به علت این تحولات بر کشور وارد شود. فشارهایی که به شدت از میزان قدرت نرم ایران در منطقه و جهان می‌کاهد و می‌تواند پیامدهای منفی امنیتی به همراه داشته باشد (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۸۴). درگیر شدن جمهوری اسلامی ایران در تحولات بحرین نیز فرصت‌هایی را برای ایران خلق کرده است.

مسئله مهم و مثبت برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در نتیجه تحولات بحرین، دگرگونی در ائتلاف‌های منطقه‌ای مخالف و رقیب و شکل‌گیری تدریجی نوعی از ترتیبات سیاسی و امنیتی نوین در منطقه خواهد بود که در آن بازیگران رقیب و مخالف ایران نقش کم‌رنگ‌تری را ایفا خواهند کرد. خروج بحرین از ائتلاف دولت‌های متحد غرب ولو با عدم پیوستن به محور دولت‌های مستقل در منطقه سرآغاز این دگرگونی‌ها محسوب می‌شود و می‌توان به تدریج و در بلندمدت با ظهور دولت‌های مردمی و مستقل دیگر در سطح منطقه شاهد شکل‌گیری ترتیبات سیاسی و امنیتی بومی در منطقه بود. این ترتیبات جدید که تأمین‌کننده امنیت ملی ایران خواهد بود، نوعی از ترتیبات خواهد بود که در آن بازیگرانی مانند آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نقشی ضعیف‌ایفا خواهند کرد (ایران بازگو، ۱۳۹۲). علاوه بر این، مشروعیت و حمایت‌های داخلی در بحرین باعث خواهد شد که این دولت بتواند بدون اتکا بر قدرت‌های بیرونی به صورتی مستقل‌تر در سیاست خارجی عمل کند و موانع موجود برای ایجاد روابطی عادی و دوستانه با ایران را پشت سر بگذارد. این شرایط در دوره زمانی کوتاه مدت تا بلندمدت باعث می‌شود ایران با دولتی معتدل و حتی دوست در محیط پیرامونی خود روبرو باشد که با تأثیرپذیری کمتر از غرب باعث بهبود شرایط امنیتی محیطی ایران خواهد شد (حاتمی، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۰).

از آنجایی که واقعیت‌های ژئوپلیتیکی، ویژگی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی ایران به گونه‌ای است که امنیت آن را به مسائل منطقه‌ای گره می‌زند و فرایند نوظهور بیداری اسلامی نیز، امنیت ملی ایران را به منطقه به طور خاصی وابسته کرده است، ایران هیچ‌گاه نمی‌تواند از دور نظاره‌گر تحولات منطقه‌ای به ویژه در بحرین باشد و نسبت به این تحولات بی‌تفاوت بماند. از همین رو، برای افزایش فرصت‌ها و پیشگیری از تهدیدات آینده، ایران خواهان افزایش نقش و حضور فعال در نظام سیاسی - امنیتی و نیز فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی در منطقه خاورمیانه است. در این

میان می‌توان گفت؛ زمانی که کشتار مردم در بحرین با سکوت مجامع بین‌المللی روبه‌رو شد، اعتراضات جمهوری اسلامی ایران نیز تشدید شد. به طوری که علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با ارسال نامه‌ای به «بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل متحد، خواستار اقدام جدی و عاجل شورای امنیت برای توقف کشتار مردم بحرین شد. در این نامه وی به سرکوب مردم بحرین به شیوه‌های غیرقابل تصور اشاره کرد و قیام اکثریت مردم بحرین را مانند مردم سایر کشورها برای حصول مطالبات مشروع خود دانست که این مسأله راه حل نظامی ندارد و توسل به رویکرد نظامی صرفاً موجب پیچیده‌تر شدن مشکل و غیرقابل کنترل شدن اوضاع خواهد شد (هزاوه‌ای و باوریان، ۱۳۹۵: ۱۸۳). دستور کار سیاست خارجی ایران در مورد بحرین ترجمانی از راهبرد جهان‌عاری از خشونت و افراطی‌گری و تمرکز بر اعتدال‌گرایی است. چنین ایده‌ای می‌تواند بحران موجود در بحرین را به یک راه‌حل‌پایداری برساند و نتایج حاصل از آن هم در جهت ثبات بحرین خواهد بود و هم به امنیت منطقه کمک خواهد کرد (روحانی، ۱۳۹۳: ۳).

نتیجه‌گیری

کشور بحرین به واسطه حدود ۷۵ درصد جمعیت شیعه، همواره یکی از کانون‌های رستاخیز شیعی در چند دهه اخیر در منطقه تلقی شده است. اگرچه این کشور دارای اکثریت جمعیت شیعه است، اما اقلیت سنی مذهب آل‌خلیفه، همواره بر این کشور حکومت می‌کند و انواع مختلفی از تبعیض‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... را در قبال شیعیان این کشور اعمال می‌کند. به طوری که از دید تحلیل‌گران، شیعیان بحرین اکثریتی فراموش شده قلمداد می‌شود. با آغاز قیام‌ها و اعتراضات مردمی در کشورهای تونس، مصر، لیبی، اردن و یمن، وضعیت سیاسی بحرین نیز تحت تأثیر این تحولات سیاسی قرار گرفت. شکاف فزاینده دولت و جامعه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز خاندان آل‌خلیفه را می‌توان اصلی‌ترین عوامل بروز تحولات و اعتراضات سیاسی کنونی مردم بحرین محسوب کرد. این شکاف ریشه‌ای تاریخی دارد و متغیرهای سیاسی - امنیتی داخلی و خارجی باعث تقویت آن شده است. مسأله مهم و تأثیرگذار در خصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر به نظر می‌رسد؛ توسل به روش‌های قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، از جمله مهمترین

اجزای سیاست خارجی ایران در قبال تحولات بحرین بوده و ایران در موقعیت فعلی منطقه، این روش را مؤثرترین نوع برخورد با بیداری اسلامی در این کشور می‌داند. این جهت‌گیری نیز بر مبنای ساختار بین‌ذاتی و هویتی است که ایران از آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه تعریف کرده و به این نتیجه رسیده که چنانچه وارد عرصه سخت‌افزاری حمایت از شیعیان بحرین شود، نه تنها با افزایش حساسیت‌ها، فشارها بر آن زیاد می‌گردد؛ بلکه این مسأله به پاشنه آشلیلی جدی برای نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه تبدیل خواهد شد و امواج تصنعی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی ایجاد شده توسط رسانه‌های غربی - عربی را تقویت خواهد کرد که در نهایت به ضرر منافع ملی ایران خواهد بود.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که بر پایه اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی عمل می‌کند، موج بیداری اسلامی را در بحرین منبعث از آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌بیند و در راستای هر چه مطلوب‌تر شدن وضعیت شیعیان این کشور گام بر می‌دارد. تهران تحول دموکراتیک در منامه را باعث شکل‌گیری نوعی از نظام سیاسی در بحرین قلمداد می‌کند که می‌تواند روابط مناسب‌تری را با آن ایجاد نماید و موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد. این عوامل باعث شده است تا ایران نگاه حساس‌تری به تحولات بحرین داشته باشد و رویکرد فعالانه‌ای در این خصوص اتخاذ نماید. در طول سه دهه گذشته، ابعاد قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بیشترین تأثیر را در منطقه خلیج فارس بر کشور بحرین به واسطه اکثریت جمعیت شیعی داشته است. امروزه قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، به عنوان مهمترین عامل زمینه‌ساز بیداری اسلامی مردم بحرین تلقی می‌گردد که تأثیرات زیادی را در ابعادی همچون ضدیت با حکومت‌های دیکتاتوری، تقویت خودآگاهی شیعیان بحرینی، تقابل با مداخله واشنگتن در امور داخلی بحرین، فرهنگ شهادت، احیای هویت شیعی، احیای نقش زن مسلمان و ... به همراه داشته است. بنابراین، بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی که دفاع از ملت‌های مظلوم و جنبش‌های حق‌طلبانه، برقراری روابط دوستانه با کشورهای مسلمان و ... از مهمترین آنهاست، نقش هدایت‌گر این کشور در بیداری اسلامی، و نیز انتظاراتی که ملت‌های مسلمان منطقه از آن دارند خود را ملزم به حمایت از این جنبش‌ها می‌داند. منافع و سیاست منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس و رقابت‌های آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه‌ای مهم در رویکرد جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران در سراسر خاورمیانه از لحاظ راهبردی

و تاکتیکی نسبت به عربستان برتری دارد که دلیل آن جذابیت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران برای هویت‌های اسلامی منطقه است که عربستان به دلیل تأکید بر اندیشه افراطی وهابیت از آن بی‌بهره است. بر این اساس، در بسیاری از حوزه‌ها میان ایران و عربستان نوعی کشمکش نیابتی در جریان است. در عین حال، سعودی‌ها در حوزه‌هایی مانند بحرین، فلسطین و لبنان که خود را بازنده می‌بینند، مدعی هستند؛ ایران در امور آن کشورها دخالت می‌کند. آنها به تسلط حکومت‌های سنی بر منطقه تمایل دارند و به این موضوع به عنوان بازی برد-باخت مقابل شیعیان می‌نگرند. با این تفاسیر، تلاش در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دست‌یابی به اهداف ملی خود خواهد شد. در پی وقوع قیام مردمی در بحرین، ایران تنها کشور ناجی مردم بحرین بود که از همان آغاز بر حل مسالمت‌آمیز مسائل از طریق برگزاری انتخابات سالم و همچنین گفتگوهای مسالمت‌آمیز تأکید کرد و نیز به لزوم توجه حکومت بحرین نسبت به درخواست‌های مردمی نظر داشت و هرگونه اقدام سرکوب‌گرانه آل‌خلیفه و ورود نظامیان موسوم به «سپر جزیره» در بحرین را محکوم کرد و در برابر آن واکنش نشان داد. لذا به نظر می‌رسد؛ تا زمانی که کشورهای عربی در قالب سازمان‌هایی چون اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس، از حکومت آل‌خلیفه حمایت می‌کنند و کشورهای غربی، به لحاظ منافی که از بابت حفظ وضع موجود در بحرین کسب می‌کنند، بی‌تفاوتند و انقلابیون به صورت واحد عمل نمی‌کنند، چندان امیدی به سقوط آل‌خلیفه نیست.

منابع فارسی

۱. اخباری، محمد و نامی، محمدحسن (۱۳۸۹)، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، انتشارات: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ دوم.
۲. آدمی، علی (۱۳۹۱)، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، صص ۱۶۸-۱۴۱.
۳. آدمی، علی، موسوی، سید محمدرضا و توتی، حسینعلی (۱۳۹۱)، «تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی - ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۴، شماره دهم، صص ۱۶۹-۱۴۱.
۴. اسدی، علی اکبر و زارع، محمد (۱۳۹۰)، «بحرین بحرین: تعارض رویکردهای منطقه‌ای»، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۹۸-۱۷۹.
۵. اسلامی، رضا (۱۳۷۸)، «خاستگاه تشیع در بحرین»، فصلنامه هفت آسمان، تابستان ۱۳۷۸، شماره دوم، صص ۲۷-۴۳.
۶. افضلی، رسول و میرزاده کوهشاهی، مهدی (۱۳۹۳)، «تبیین ژئوپلیتیکی عدم استقرار دموکراسی در بحرین»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۱۰۲-۷۵.
۷. بهرامی، قدرت‌الله و خدادادی، محمد اسماعیل (۱۳۸۹)، «جغرافیای سیاسی - اقتصادی ایران»، پژوهش‌کده تحقیقات اسلامی، قم: انتشارات زمزم هدایت، صص ۱-۱۶۸.
۸. بلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۹۷)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین: زمینه تاریخی و نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و همکاران، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران.
۹. بی‌نام (۱۳۸۸)، کتاب سبز بحرین، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۰. راثی، علی (۱۳۹۲)، «تحولات جهان عرب و امنیت ملی جمهوری اسلامی»، وبلاگ ایران بازگو (علی راثی)، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹، قابل دسترسی در: <https://iranbazgoo.per> /sianblog.ir

۱۱. توال، فرانسوا (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتایون باصر، تهران: ویستار، چاپ دوم.
۱۲. توتی، حسینعلی و دوست‌محمدی، احمد (۱۳۹۲)، «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۲۲۶-۲۰۹.
۱۳. حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «تحولات بحرین: بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۵-۱.
۱۴. خواجه‌سروی، غلامرضا و رحمتی‌پور، لیلا (۱۳۹۶)، «هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات بحرین»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره سوم، صص ۲۰۷-۱۸۱.
۱۵. دهشیری، محمدرضا و عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۴)، «رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ (مطالعه موردی بحرین و سوریه)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۷۵-۵۵.
۱۶. دهشیری، محمدرضا و نجاتی‌آرانی، حمزه (۱۳۹۱)، چالش‌های مشترک فرهنگی - مذهبی فراروی گفتمان بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸، صص ۳۱۴-۲۹۹.
۱۷. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال و فرازی، مهدی (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۱۹۰-۱۶۳.
۱۸. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۲)، حقوق بشر و خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ اول.
۱۹. ذوالقدر، مالک و میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۵)، بازدرآمدی بر تحلیل سیاست خارجی، تهران: انتشارات مخاطب، چاپ اول.
۲۰. رضایی، مسعود و جهانیان، شهاب (۱۳۹۳)، «انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص

- ۲۰۲-۱۸۳.
۲۱. رهبر، عباسعلی، نجات‌پور، مجید و موسوی‌نژاد، مجتبی (۱۳۹۴)، «قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۴۴، صص ۳۹-۹.
۲۲. زارع‌مهریزی، الهام (۱۳۹۳)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر تحولات کشور بحرین»، فصلنامه فرهنگ پژوهش، دوره ۷، شماره ۱۸، صص ۱۲۷-۱۰۹.
۲۳. شاه‌قلعه، صفی‌الله و اخوان‌کاظمی، مسعود (۱۳۹۵)، «درصد جمعیت شیعیان در چند کشور اسلامی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، دوره ۱۴، صص ۷۳-۳۵.
۲۴. شفیعی، نوذر و زمانیان، روح‌الله (۱۳۹۰)، «مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه‌ها (واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌نگاری)»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۵، صص ۱۲۹-۱۱۴.
۲۵. طلائع، مسعود (۱۳۹۴)، «بررسی روابط ایران و بحرین در گذر تاریخ»، مرکز مطالعات خلیج فارس، ۱۳۹۴/۹/۲۷، قابل دسترسی در: <http://www.persian-gulfstudies.com/fa/pages/810>
۲۶. عابدی‌اردکانی، محمد، نادری، روح‌الله و شفیعی سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۰)، «تحلیل سازه‌نگارانه از رفتار دولت‌های بزرگ با ایران در دوره رضاشاه» فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۱۸۱-۱۴۹.
۲۷. متکی، منوچهر (۱۳۸۹)، «عربستان و بازی با آتش»، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۳۸۹/۱۲/۲۶، قابل دسترسی در: <http://www.asriran.com/fa/news/159930>
۲۸. عسگرخانی، ابومحمد و بابایی، محمد (۱۳۹۱)، «امنیت هستی‌شناختی در خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۷۲-۱۵۵.
۲۹. کوشکی، محمد صادق، حسینی، سید محمود و قادری، محمد (۱۳۹۳)، «چشم‌اندازی بر تأثیرات مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی بحرین»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹، صص ۱۰۰-۸۱.

۳۰. گلسی زواره‌ای، غلامرضا (۱۳۹۱)، «سیری در تاریخ و جغرافیای سرزمین بحرین: آتشفشان شیعیان بحرین بر کرانه خلیج فارس»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق(ع)، شماره ۱۶، صص ۳۵-۳۰.
۳۱. متقی، ابراهیم و رشاد، افسانه (۱۳۹۰)، «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۳۹-۱۰۱.
۳۲. متقی، افشین (۱۳۹۴)، «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در ارتباط ایران و عربستان بر پایه نظریه‌ی سازه‌نگاری»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۴۲، صص ۱۶۱-۱۴۱.
۳۳. مسعودنیا، حسین، فروغی، عاطفه و چلمقانی، مرضیه (۱۳۹۱)، «ترکیه و بحران سوریه، از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۴، صص ۸۳-۱۱۰.
۳۴. مظفری، فرشته (۱۳۸۴)، «جایگاه قدرت نرم در استراتژی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره ۸، صص ۲۰۳-۱۸۹.
۳۵. نجفی، محمدصادق و بلندیان، غلامحسین (۱۳۹۲)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۸۹-۲۰۸.
۳۶. نیاکونی، سید امیر (۱۳۹۰)، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۴، صص ۲۷۶-۲۳۹.
۳۷. نیاکونی، سید امیر (۱۳۹۱)، کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۳۸. نیکو، حمید (۱۳۹۴)، «ماهیت شناسی جنبش سیاسی شیعیان بحرین»، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۴ اردیبهشت ماه.
۳۹. واعظی، محمود (۱۳۹۲)، انقلاب و تحولات سیاسی در خاورمیانه، تهران: انتشارات: وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۴۰. ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا

مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
 ۴۱. هاشمی‌نسب، سید سعید (۱۳۸۹)، «بحران بحرین»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، صص ۳۸-۱۹.

۴۲. هزاوه‌ای، سید مرتضی و باوریان، فریده (۱۳۹۵)، «بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به مسأله بیداری اسلامی (مطالعه موردی: قیام مردم بحرین)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۸۹-۱۶۵.

منابع انگلیسی

1. Akpinar, Pinar (2015), "Mediation as a Foreign Policy Tool in the Arab Spring: Turkey, Qatar and Iran", Journal of Balkan and Near Eastern Studies, Volume 17, Issue 3, pp. 252-268.
2. Bahri, Luayy (2000) "The Socioeconomic Foundations of the Shiite Opposition in Bahrain", Mediterranean Quarterly, Vol. 11, No. 3, pp.129-143.
3. Bayat, Asef (2011), "the post Islamist Revolutions", Foreign affairs, April, available at: <http://www.foreignaffairs.com/articles/67812/asef-bayat/the-post-islamist-revolutions> (Retrieved in 02/11/2013).
4. Choi, Ajin (2003), "the power of democratic cooperation", international security, Vol. 28, No. 1, pp. 53-142.
5. Downs, Kevin (2012), "A Theoretical Analysis of the Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain", Journal of Politics & International Studies, Vol 8, pp. 2013-237.
6. Fuller, Graham & Rend Francke (1999), The Arab Shia: The Forgotten Muslims, New York, St. Marti press.
7. Jones, Toby Craig (2006), 'Rebellion on the Saudi periphery: modernity, marginalization, and the Shia uprising of 1979', International

Journal of Middle East Studies, 38(2), pp. 213-233.

8. Mehr Agency News (2011), "Iran's support for uprisings has nothing to do with Sunnism", Shiism, April 8, 2011, Available at: <http://en.mehrnews.com/news/45349/Iran-s-support-for-uprisingshas-nothing-to-do-with-Sunnism>
9. Onuf, Nicholas (2002), worlds of our making: the strange career of constructivism in international relations, Cambridge: Harvard University Press.
10. Tashjian, Yeghia (2013), "The Holy Alliance of Gulf Cooperation Council", Strategic Outlook, Available at: http://strategicoutlook.org/publications/The_Holly_Alliance_of_GCC.pdf
11. Terrill, W. Andrew (2011), The Saudi-Iranian Rivalry and the Future of Middle East Security, CreateSpace Independent Publishing Platform.
12. Sackman, Michael and Audi, Nadim (2011) 'Security forces in Bahrain open fire on protestors', The New York Times, February, available at: <https://www.nytimes.com/2011/02/19/world/middleeast/19bahrain.html>

پیغام
اسلامی